



University of Tehran Press

## Rules of relative jurisdiction of criminal courts in Iranian and English law

Mohammad Javad Fathi<sup>1</sup> | Mohammad Abbaszadeh<sup>2</sup>

1. Department of Criminal Law, Faculty of Farabi, University of Tehran, Iran.  
Email: [Mjfathi@ut.ac.ir](mailto:Mjfathi@ut.ac.ir)
2. Corresponding Author; Department of Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law, Faculty of Farabi, University of Tehran, Iran. Email: [Abbaszadeh\\_m@ut.ac.ir](mailto:Abbaszadeh_m@ut.ac.ir)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 2021/12/04</p> <p><b>Received in revised form:</b> 2022/02/21</p> <p><b>Accepted:</b> 2022/05/24</p> <p><b>Published online:</b> 2023/06/22</p> <p><b>Keywords:</b> <i>criminal courts,</i> <i>English law,</i> <i>importance of crime,</i> <i>Iran law,</i> <i>Relative jurisdiction.</i></p>	<p>One of the divisions of jurisdiction of criminal courts is the division of these courts into Courts grade one and Courts grade two. Relative jurisdiction is studied as another kind of criminal courts jurisdiction beside local and inherent jurisdiction. In Relative jurisdiction, Courts grade one deal with more important crimes by multiple judges and Courts grade two deal with less important crimes by single judge. In Iranian law according to criminal procedure code 1392, Relative jurisdiction is accepted in both general and special courts. In English law, also, Relative jurisdiction of criminal courts accepted such a way that the crimes, based on importance, divided into three parts: Indictable offences, Summary offences and Offences triable and this will be heard either by Magistrates' Court or crown court accordingly. In addition, in the law of both countries, relative jurisdiction in the retrial is also provided and these courts are divided into two categories.</p>
<b>How To Cite</b>	Fathi, Mohmmad Javad; Abbaszadeh, Mohammad (2023). Rules of relative jurisdiction of criminal courts in Iranian and English law. <i>Comparative Law Review</i> , 14 (1), 389-410. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/jcl.2022.334117.634282">https://doi.com/10.22059/jcl.2022.334117.634282</a>
<b>DOI</b>	10.22059/jcl.2022.334117.634282
<b>Publisher</b>	University of Tehran Press.



University of Tehran Press

# مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۲۴۲۳-۳۴۰۴

دوره: ۱۴، شماره: ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

## قواعد صلاحیت نسبی دادگاه‌های کیفری در حقوق ایران و انگلستان

محمدجواد فتحی<sup>۱</sup> | محمد عباسزاده<sup>۲</sup>

۱. گروه حقوق جزا، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: [Mjfatih@ut.ac.ir](mailto:Mjfatih@ut.ac.ir)

۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: [Abbaszadeh\\_m@ut.ac.ir](mailto:Abbaszadeh_m@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۰/۰۹/۱۳</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۱/۰۲/۳۱</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۲/۰۳</p> <p><b>تاریخ انتشار برخط:</b> ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> اهمیت جرم، حقوق انگلستان، حقوق ایران، صلاحیت، صلاحیت نسبی، دادگاه‌های کیفری.</p>	<p>یکی از تقسیم‌بندی‌های صلاحیت محاکم کیفری، تقسیم آنها به کیفری یک و کیفری دو است. صلاحیت نسبی به‌عنوان یکی دیگر از اقسام صلاحیت‌های محاکم کیفری در عرض صلاحیت ذاتی و محلی به بررسی این موضوع می‌پردازد. در صلاحیت نسبی، محاکم کیفری اعم از عمومی و اختصاصی با توجه به نسبت آنها با یکدیگر بر اساس نوع جرم ارتكابی، شدت مجازات و یا تلفیقی از نوع جرم و شدت مجازات به دادگاه‌های درجه یک و درجه دو دسته‌بندی می‌شوند. دادگاه‌های درجه یک با تعدد قاضی به جرایم مهم‌تر و دادگاه‌های درجه دو با وحدت قاضی به جرایم با اهمیت کمتر رسیدگی می‌کنند. در حقوق ایران مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صلاحیت نسبی محاکم کیفری هم در مورد دادگاه‌های عمومی و هم دادگاه‌های اختصاصی پذیرفته شده است؛ به‌گونه‌ای که دادگاه‌های عمومی به دادگاه کیفری یک و کیفری دو تقسیم می‌شوند و دادگاه‌های اختصاصی اعم از انقلاب، نظامی و نظامی زمان جنگ دارای دو درجه یک و دو می‌باشند. به‌علاوه، در خصوص جرایم ارتكابی از سوی افراد زیر ۱۸ سال نیز بر اساس صلاحیت نسبی، علاوه بر دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان پیش‌بینی شده است. در حقوق انگلستان نیز صلاحیت نسبی محاکم کیفری مورد پذیرش قرار گرفته به‌گونه‌ای که جرایم بر اساس اهمیت به سه دسته جرایم اختصاری، جرایم دوجبهی و جرایم قابل کیفرخواست تقسیم شده و بر همین اساس در دادگاه‌های صلح یا دادگاه جزایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. به‌علاوه، در حقوق هر دو کشور، صلاحیت نسبی در مرحله مجدداً رسیدگی نیز پیش‌بینی شده است و این دادگاه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند.</p>
<b>استناد</b>	فتحی، محمدجواد؛ عباسزاده، محمد (۱۴۰۲). قواعد صلاحیت نسبی دادگاه‌های کیفری در حقوق ایران و انگلستان. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۴ (۱)، ۳۸۹-۴۱۰.
<b>DOI</b>	DOI: <a href="https://doi.org/10.22059/jcl.2022.334117.634282">https://doi.org/10.22059/jcl.2022.334117.634282</a>
<b>ناشر</b>	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



## ۱. مقدمه

صلاحیت نسبی دادگاه‌های کیفری به اعتبار اهمیت جرم ارتكابی تعیین می‌گردد. اهمیت جرم وابسته به اهمیت و ارزش هنجاری است که در پی ارتكاب عمل مجرمانه نقض می‌شود. علاوه بر تقسیم‌بندی ارزش‌های یک جامعه به ارزش‌های ثابت و ارزش‌های بی‌ثبات و درحال تحول<sup>۱</sup>، هنجارها و ارزش‌های یک جامعه دارای درجات اهمیت متفاوتی است؛ بر همین مبنا، در یک تقسیم‌بندی کلی و اولیه می‌توان هنجارهای یک جامعه را به هنجارهای فاقد ضمانت اجرای کیفری<sup>۲</sup> و هنجارهای دارای ضمانت اجرای کیفری تقسیم کرد<sup>۳</sup>. به علاوه، هنجارهای دارای ضمانت اجرای کیفری نیز خود دارای ارزش و درجات متفاوتی است و در نتیجه، شدت انواع ضمانت اجرای کیفری نیز بر اساس خسارتی که از نقض هنجار وارد می‌شود، متفاوت خواهد بود<sup>۴</sup>. ولی اینکه چه چیزی ضمانت اجرای کیفری و مجازات به‌شمار می‌رود، جوئل فاین برگ<sup>۵</sup> یک تمایزگذاری شناخته‌شده را در این خصوص ارائه داده است؛ او «تنبیه» را از «مجازات» این‌گونه متمایز می‌کند: تنبیه همان ضمانت اجرایی نظیر جریمه یا توبیخ است و در مقابل، مجازات به‌عنوان «برخورد سخت»، یا

۱. تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که باید بین ارزش‌هایی که با ارتكاب جرم نقض می‌شود، تفکیک قائل شد. ارزش‌هایی وجود دارد که در طول تاریخ همواره به‌چشم می‌خورد و نقض آنها در قالب سرقت و تجاوز به عفت و ... بیان می‌شود. لیکن در حقوق جزای عرفی مثلاً در قلمرو جرایم علیه آداب و رسوم و ارزش‌های سیاسی، همه‌چیز بی‌ثبات و درحال تحول است؛ پس مفهوم جرم، عمدتاً یک مفهوم اجتماعی است. گاروفالو، جرم‌شناس ایتالیایی، در همین جهت سخن رانده است؛ وی جرایم طبیعی که احساسات اولیه و ذاتی مبتنی بر ترحم و تقوای مشترک در همه گروه‌های اجتماعی را نقض می‌کند، از جرایم متعارف (قراردادی) که ناقض احساسات متغیر مردم و جامعه است، تفکیک می‌نماید (ابرنادآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۲).

۲. هنجارهای فاقد ضمانت اجرای کیفری ممکن است دارای ضمانت اجرای مدنی، انضباطی و یا اخلاقی باشند.

۳. بر همین اساس، در حقوق ایران، مراجع قضایی به دو دسته حقوقی و کیفری تقسیم می‌شوند. در حقوق انگلستان نیز حقوق در دو دسته حقوق کیفری و حقوق مدنی تقسیم‌بندی می‌گردد. در تفاوت این دو گفته می‌شود؛ تفاوت بین حقوق کیفری و حقوق مدنی، تفاوت در موضوعی است که قانون درصدد تعقیب آن است: یکی جبران خسارت و دیگری مجازات. موضوع حقوق مدنی صرفاً جبران خسارت است و لذا خسارت‌زنده، مجازات نمی‌شود؛ درحالی که موضوع حقوق جزا، مجازات خطاکار است (Geldart, 1991: 153). بر همین اساس، در حقوق انگلستان، اولین و اصلی‌ترین دسته‌بندی دادگاه‌ها آن است که آیا یک دادگاه باید به موضوع کیفری یا موضوع حقوقی رسیدگی نماید؟ (Harris, 2007: 180).

۴. بکار یا به استدلال کلاسیک‌ها علیه برابری مجازات‌ها که به‌موجب آن کیفر واحدی که به نجیب‌زاده و به رعیت تحمیل می‌گردد در واقع، به لحاظ اختلافات تربیتی و آثار متفاوتی که در پی دارد، یکسان نیست، چنین پاسخ می‌دهد: «اندازه کیفر تابع احساسات بزه‌کار نیست، بلکه تابع خسارت عمومی است، به‌طوری که هرچقدر عامل آن دارای امتیازات بیشتری باشد، میزان آن نیز قابل توجه‌تر خواهد بود. اصل برابری مجازات‌ها تنها یک امر اعتباری است، زیرا در عمل هر فرد از آن برداشت خاص خود را دارد» (ژان پرادل، ۱۳۹۶: ۴۶).

«حبس» درک می‌شود. تفاوت میان تنبیه و مجازات صرفاً در شدت نیست، بلکه در سرشت آنها نیز هست: برای فاین برگ، مجازات به‌عنوان زندان صرفاً یک ضمانت اجرای شدیدتر نسبت به صدور جریمه نیست، بلکه به‌تنهایی سرزنش عمومی مجرم را بیان می‌کند (تام بروکس، ۱۳۹۵: ۲۴). نکته مهم دیگر این است که در مقام متناسب‌سازی کیفر با جرم باید شدت کیفرهای تعیین‌شده در قانون برای هر دسته از جرم‌ها را نسبت به یکدیگر نیز مقایسه کرد، زیرا صرف تناسب میان جرم و کیفر کافی نیست، بلکه باید بتوان از کیفر یک جرم در مقایسه با جرم‌هایی که به‌طور عرفی همان درجه شدت را دارند دفاع کرد؛ چراکه تعیین معیارهای عمومی برعهده قانون‌گذار است. به دلیل اهمیت نسبی هنجارهای اساسی اجتماع که موضوعی اساسی به‌شمار می‌روند، قانون‌گذار در تصویب قانون‌های کیفری نباید تنها فهرستی از رفتارهای ممنوع و فهرستی از کیفرها را کنار هم قرار دهد. قانون‌گذار با کیفرگذاری برای هر جرم مشخص می‌کند که کدام هنجار مهم‌تر است و کدام اهمیت کمتری دارد (Weigend, 1991: 628). با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات که اصلی مسلم و شناخته‌شده است، هنجارهایی دارای ضمانت اجرای کیفری هستند که نقض آنها قانوناً مستوجب مجازات باشد. مجازات در حوزه‌های گوناگون و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ توضیح آنکه در قلمرو فلسفه کیفر، در پی شناخت ارزش‌های اخلاقی توجیه‌کننده مجازات هستیم. در عرصه کیفرشناسی، ابزارها و روش‌های تحقق اهداف ازپیش‌اندیشیده شده کیفری را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در حوزه حقوق کیفری، به‌کارگیری مواد قانونی و انطباق آنها با رفتار ارتكابی مورد توجه است. و در نهایت، دانش جرم‌شناسی متولی بحث در خصوص علل بزهکاری است (جعفری بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷). آیین دادرسی کیفری به‌عنوان یکی از شاخه‌های حقوق کیفری، متکفل روش اعمال و اجرای مجازات است؛ بر این اساس که کدام مرجع به نقض هنجارهای دارای ضمانت اجرای کیفری، حقوقی و اداری رسیدگی می‌نماید، محاکم بر اساس صلاحیت ذاتی و با توجه به عنصر صنف، به دادگاه‌های حقوقی، کیفری و اداری تقسیم می‌شوند (شمس، ۱۳۹۷: ۲۸). اما علاوه بر این تقسیم‌بندی، بر اساس میزان و درجه نقض نظم عمومی و اهمیت جرم ارتكابی، واکنش کیفری متفاوت خواهد بود. به تناسب تفاوت این هنجارها و ضمانت‌اجراهای کیفری، دادگاه‌های کیفری رسیدگی‌کننده به نقض این هنجارها نیز متفاوت هستند؛<sup>۱</sup> به این ترتیب که جرایم با اهمیت بیشتر و مجازات شدیدتر در محاکم کیفری با تعدد قاضی<sup>۲</sup> و جرایم با اهمیت کمتر در محاکم کیفری با وحدت قاضی

۱. بنابراین در یک تقسیم‌بندی اساسی مبتنی بر ساختار، دادگاه‌های کیفری به دو دسته تقسیم می‌شوند: دادگاه با قاضی واحد و دادگاه با تعدد قاضی. تعیین صلاحیت موضوعی دادگاه‌ها تابعی از این وضعیت است، به‌نحوی که جرایم سنگین در صلاحیت دادگاه‌های با تعدد قاضی و جرایم سبک در صلاحیت دادگاه‌های با وحدت قاضی است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۳۸۱).  
 ۲. دانایان حقوق جزا برای دادرسی‌های کیفری با روش تعدد قاضی، اهمیت و اعتبار خاصی قائل‌اند. به نظر آنان سیستم تعدد قاضی جلو اشتباهات قضایی را می‌گیرد و یا آن را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد. وجود قضات متعدد در یک دادگاه این امکان را فراهم می‌آورد که آنان با هم مشاوره و تبادل نظر نمایند و از برداشت و استدلال همدیگر آگاهی

رسیدگی می‌شوند. به همین جهت، صلاحیت نسبی دادگاه‌های کیفری، مجزا از صلاحیت ذاتی و محلی<sup>۱</sup>، بر اساس نسبت آنها با یکدیگر بر پایه اهمیت جرم و یا میزان مجازات مشخص می‌شود.

همچنین، باید به این نکته توجه داشت که تقسیم‌بندی دادگاه‌ها به محاکم تالی یا محاکم درجه بدوی و محاکم عالی یا محاکم درجه تجدیدنظر از موارد صلاحیت ذاتی بوده و در بحث از صلاحیت ذاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولی تقسیم‌بندی دادگاه‌های تجدیدنظر بر اساس صلاحیت نسبی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که در صلاحیت نسبی، دادگاه‌های بدوی به درجه یک و دو دسته‌بندی می‌شوند، در مرحله مجدد رسیدگی نیز مراجع بر اساس صلاحیت نسبی به دو یا چند دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. بنابراین، در مقاله پیش رو، طی دو مبحث، قواعد صلاحیت نسبی محاکم کیفری را در دو کشور ایران و انگلستان بررسی می‌کنیم و در هر مبحث طی دو گفتار، قواعد صلاحیت نسبی دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر را بررسی خواهیم کرد. مهم‌ترین قواعد صلاحیت نسبی که با صلاحیت ذاتی و در مواردی با صلاحیت محلی متفاوت است و باعث می‌شود که صلاحیت نسبی جدای از دو صلاحیت دیگر بررسی گردد، عبارت‌اند از:

الف) در صلاحیت نسبی قاعده وحدت دادرسی حاکم است؛ به این ترتیب که اگر فردی مرتکب دو جرم یکی در صلاحیت دادگاه کیفری درجه یک و دیگری در دادگاه کیفری درجه دو گردد، دادگاه کیفری درجه یک به هر دو جرم رسیدگی می‌نماید.

ب) در موارد اختلاف در صلاحیت بین دادگاه کیفری درجه یک با دادگاه کیفری درجه دو، نظر دادگاه کیفری یک متبع است.

در ادامه، پذیرش این دو قاعده در حقوق ایران و انگلیس را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## ۲. قواعد صلاحیت نسبی دادگاه‌های کیفری در حقوق ایران

در حقوق ایران محاکم کیفری بر مبنای صلاحیت ذاتی به دو دسته دادگاه‌های مرحله بدوی و مرحله تجدیدنظر تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های مرحله بدوی صلاحیت نخستین رسیدگی به جرم را دارا می‌باشند و دادگاه‌های مرحله تجدیدنظر صلاحیت رسیدگی مجدد به پرونده کیفری را دارند. هم دادگاه‌های مرحله بدوی و هم تجدیدنظر با توجه به صلاحیت نسبی، به دو دسته دادگاه‌های درجه یک و دو منقسم می‌شوند.

یابند، و مغلوب فکر و اندیشه شخصی خود نشوند؛ در ضمن، دادرسان جوان و تازه‌کار از تجربیات قضات باسابقه بهره‌مند گردند (آخوندی، ۱۳۹۴: ۳۶۱).

۱. خاطرنشان می‌سازد، برخی از نویسندگان صلاحیت نسبی را مترادف با صلاحیت محلی می‌دانند (ر.ک. آخوندی، ۱۳۹۴: ۴۴۶). در مقابل، برخی دیگر از نویسندگان صلاحیت نسبی را مجزا از صلاحیت محلی دانسته، معتقدند «صلاحیت نسبی صلاحیتی است که قانون‌گذار با توجه به میزان مجازات برای مرجع قضایی تعیین می‌نماید» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۴: ۲۵۴).

تفکیک محاکم مرحله بدوی به درجه یک و درجه دو بر اساس ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری صورت می‌گیرد. مطابق با ماده یادشده «به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات ب- جرایم موجب حبس ابد پ- جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن ت- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر ث- جرایم سیاسی و مطبوعاتی». تفکیک محاکم مرحله مجدد رسیدگی به درجه یک، یعنی دیوان عالی کشور، و درجه دو، یعنی دادگاه تجدیدنظر استان، نیز به موجب ماده ۴۲۸ قانون یادشده که عیناً همان جرایم پیش‌بینی شده در ماده ۳۰۲ است، انجام می‌شود. قانون‌گذار در مواد ۳۰۲ و ۴۲۸ هر سه روش نوع جرم، نوع و میزان مجازات و تلفیق نوع جرم و میزان مجازات را برای تفکیک صلاحیت نسبی پذیرفته است؛ به این ترتیب که بندهای «الف»، «ب»، قسمت اول بند «پ» و بند «ت» بر اساس مجازات، بند «ث» بر اساس نوع جرم ارتكابی و فارغ از میزان مجازات و قسمت دوم بند «پ» بر اساس نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات پیش‌بینی شده‌اند.

## ۱.۲. دادگاه‌های کیفری مرحله رسیدگی بدوی

مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری، محاکم کیفری مرحله بدوی رسیدگی اعم از دادگاه‌های عمومی و اختصاصی، بر اساس اهمیت جرم ارتكابی به دو دسته دادگاه‌های درجه یک و درجه دو تقسیم می‌شوند.<sup>۱</sup> در ادامه، صلاحیت نسبی محاکم کیفری مرحله رسیدگی بدوی را بر اساس محاکم کیفری عمومی و اختصاصی بررسی خواهیم نمود:

### ۱.۱.۲. محاکم کیفری عمومی

محاکم کیفری عمومی دادگاه‌هایی هستند که صلاحیت رسیدگی به همه جرایم را دارند مگر در مواردی که استثنا شده باشد.<sup>۲</sup> با وجود این، محاکم کیفری عمومی مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری بر اساس صلاحیت نسبی به دو دسته دادگاه کیفری یک و دادگاه کیفری دو تقسیم می‌شوند. برابر ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد، مگر آنچه به موجب

۱. صلاحیت نسبی در خصوص محاکم حقوقی نیز تا قبل از لازم‌الاجرا شدن ق.ت.د.ع.ا، مصوب ۱۳۷۳ پذیرفته شده بود و محاکم حقوقی بدوی به دو دسته دادگاه حقوقی یک یا حقوقی دو تقسیم می‌شد و دعوای حقوقی با توجه به موضوع دعوا، میزان و یا ارزش خواسته آن در یکی از دو دادگاه یادشده اقامه می‌گردید (شمس، ۱۳۹۸: ۳۷۴-۳۷۳).

۲. در رسیدگی‌های کیفری اصل بر صلاحیت مراجع عمومی است و هرگاه قانون‌گذار تکلیف مرجع صالح جهت رسیدگی به جرمی را مشخص نکرده باشد باید بدون شک به صلاحیت دادگاه‌ها و مراجع تحقیق عمومی حکم کرد (آشوری، ۱۳۹۸، ج ۲: ۹۲).

قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد». بنابراین، صلاحیت دادگاه کیفری دو از دو جهت تخصیص خورده است: یکی از جهت صلاحیت ذاتی و دیگری از نظر صلاحیت نسبی. توضیح آنکه جرایمی که در صلاحیت محاکم اختصاصی از جمله دادگاه انقلاب و دادگاه نظامی هستند از جهت صلاحیت ذاتی و جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک هستند، از نظر صلاحیت نسبی از صلاحیت دادگاه کیفری دو خارج‌اند. بنابراین، صلاحیت دادگاه کیفری یک نسبت به دادگاه کیفری دو و برعکس صلاحیت ذاتی نیست، بلکه نسبی است؛ به این معنی که دادگاه کیفری یک و دو دارای صلاحیت ذاتی واحدی هستند، ولی صلاحیت این دو دادگاه بر مبنای اهمیت جرم و مجازات از یکدیگر تفکیک می‌شوند. به این ترتیب، جرایم عمومی دارای مجازات یادشده در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در صلاحیت دادگاه کیفری یک به‌عنوان یک دادگاه درجه یک و سایر جرایم عمومی در صلاحیت دادگاه کیفری دو به‌عنوان یک دادگاه درجه دو قرار دارد.<sup>۱</sup>

در خصوص دو قاعده پیش‌گفته در خصوص محاکم کیفری عمومی باید گفت، اولاً دادگاه کیفری یک در مواردی صلاحیت رسیدگی به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو را دارد. مطابق با تبصره ۲ ماده ۳۱۴ «چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۳۰۲) این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید». بنابراین، اگر پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک و پیش از شروع به رسیدگی، این دادگاه تشخیص دهد که جرم ارتكابی از جرایم موضوع ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیست و در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، با صدور قرار عدم صلاحیت نسبی (و نه ذاتی) پرونده را به دادگاه کیفری دو ارجاع می‌دهد. بر اساس تبصره ۱ ماده یادشده، «هرگاه شخصی متهم به ارتكاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود». عکس این قضیه صادق نیست؛ بنابراین، دادگاه کیفری دو در هیچ صورت صلاحیت رسیدگی به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک را ندارد.

ثانیاً در خصوص لازم بودن نظر دادگاه کیفری درجه یک برای دادگاه کیفری درجه دو در موارد اختلاف در صلاحیت، مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۷۵۲-۱۳۹۵/۲/۶ هیئت عمومی دیوان عالی

۱. البته، صلاحیت دادگاه کیفری دو از لحاظ نسبی در یک مورد دیگر نیز تخصیص خورده است. مطابق با بند «ح» ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۱۶: رسیدگی به جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت باشد در صلاحیت قاضی شورای حل اختلاف قرار دارد.

کشور، حل اختلاف در خصوص صلاحیت بین دادگاه کیفری یک و دادگاه کیفری دو با دادگاه تجدیدنظر استان است و لذا، نظر دادگاه کیفری یک برای دادگاه کیفری دو لازم نیست. رأی یادشده از این جهت که در موارد اختلاف در صلاحیت نظر دادگاه کیفری یک را برای دادگاه کیفری دو لازم نمی‌داند، برخلاف قاعده مسلم پیش گفته بوده و با اراده قانون‌گذار که در موارد اختلاف در صلاحیت، نظر دادگاه نظامی یک و نظامی یک زمان جنگ را به ترتیب برای دادگاه نظامی دو و نظامی دو زمان جنگ لازم می‌داند در تعارض بوده، لذا مورد انتقاد است.

### ۲.۱.۲. محاکم کیفری اختصاصی

مطابق ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، محاکم کیفری اختصاصی عبارت‌اند از: دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان، و دادگاه نظامی. علاوه بر محاکم یادشده، دادگاه ویژه روحانیت نیز به‌عنوان یکی دیگر از محاکم اختصاصی در حقوق ایران مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

#### ۲.۱.۲.۱. دادگاه انقلاب

با آنکه صلاحیت دادگاه انقلاب مطابق با ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین خاص، بر اساس نوع جرم تعیین شده است، اما این دادگاه مطابق ماده ۲۹۷ این قانون و بر اساس میزان و اهمیت مجازات جرم ارتكابی با دو سیستم وحدت و تعدد قاضی به شرح زیر تشکیل می‌شود:

الف) سیستم تعدد قاضی. برابر ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری «دادگاه انقلاب ... برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون دارای رئیس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد...». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، جرایم موجب مجازات شدیدتر با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می‌گردد که در این صورت مطابق با تبصره ماده ۲۹۷ «مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است». نکته مهمی که باید به آن توجه شود اختلاف در صلاحیت بین دادگاه کیفری یک و انقلاب با تعدد قاضی است. مطابق ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم موجب مجازات یادشده در این ماده در صلاحیت دادگاه کیفری یک است. از طرف دیگر، برابر ماده ۲۹۷ این قانون، رسیدگی به جرایم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد. در این خصوص، دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۶۴ مورخ ۳۰ دی ۱۳۸۲ به صلاحیت دادگاه انقلاب نظر داده است. لذا، تمامی جرایم

۱. همان‌گونه که اشاره شد، صلاحیت نسبی دادگاه‌های کیفری در خصوص دادگاه ویژه روحانیت پذیرفته نشده است.



پیش‌بینی شده در ماده ۳۰۳ و سایر قوانین خاصی که در صلاحیت دادگاه انقلاب است، در این دادگاه مطرح می‌شود. حال چنانچه مجازات جرایم ارتكابی یکی از مجازات‌های یادشده در بندهای پیش‌گفته ماده ۳۰۲ باشد، دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی تشکیل شده، به این‌گونه جرایم رسیدگی می‌کند.

ب) سیستم وحدت قاضی. مطابق با قسمت ذیل ماده ۲۹۷، دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات غیر از جرایم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون، با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود. لذا، جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب، چنانچه مشمول مجازات‌های یادشده در ماده ۳۰۲ نباشد، با وحدت قضات رسیدگی می‌شود.

باید توجه نمود که حکم یادشده در تبصره ۲ ماده ۳۱۴، مطابق با تبصره ماده ۲۹۷ این قانون، بر دادگاه انقلاب نیز حاکم است. به این ترتیب، چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ این قانون در دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی مطرح شود و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی است، دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می‌نماید. به‌علاوه، هرگاه شخصی متهم به ارتكاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی است، به تمام جرایم او در دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می‌شود. عکس این قضیه، همانند محاکم عمومی، در خصوص دادگاه انقلاب نیز صادق نیست. توضیح آنکه دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی در هیچ صورت صلاحیت رسیدگی به جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی را ندارد. اما در خصوص لازم بودن نظر دادگاه کیفری درجه یک برای دادگاه کیفری درجه دو در موارد اختلاف در صلاحیت، با توجه به اینکه رأی وحدت رویه شماره ۷۵۲-۱۳۹۵/۶/۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، تنها به حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه کیفری یک و دادگاه کیفری دو اشاره دارد و به‌علاوه با وحدت ملاک از ماده ۶۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، باید گفت نظر دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی برای دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی لازم است.

## ۲.۲.۱.۲. دادگاه‌های نظامی

یکی دیگر از دادگاه‌های اختصاصی دارای صلاحیت ذاتی، دادگاه‌های نظامی است. مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های نظامی به دو دسته محاکم نظامی عادی و نظامی زمان جنگ تقسیم می‌شوند. محاکم نظامی عادی مرحله بدوی مشتمل بر دادگاه نظامی دو و دادگاه نظامی یک و محاکم نظامی بدوی زمان جنگ مشتمل بر دادگاه نظامی دو زمان جنگ و دادگاه نظامی یک زمان جنگ است.

در خصوص صلاحیت دادگاه‌های نظامی باید توجه داشت که صلاحیت این محاکم منوط به دو شرط است: اولاً جرم ارتكابی از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی باشد<sup>۱</sup> و ثانیاً مرتکب نظامی باشد. تحقق این دو شرط برای دادگاه‌های نظامی درجه یک و درجه دو لازم است. اما محاکم یادشده بر اساس صلاحیت نسبی با توجه به اهمیت جرم ارتكابی به دو دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

الف) محاکم نظامی درجه یک. دادگاه‌های نظامی درجه یک مشتمل بر دادگاه نظامی یک عادی و دادگاه نظامی یک زمان جنگ است. با توجه به اینکه مطابق ماده ۵۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۲</sup> «وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است مگر مواردی که در این بخش به نحو دیگری درباره آن تعیین تکلیف شود»، لذا دادگاه نظامی یک عادی و دادگاه نظامی یک زمان جنگ به جرایم موجب مجازات یادشده در ماده ۳۰۲ این قانون رسیدگی می‌نمایند. البته در تفکیک صلاحیت دادگاه نظامی یک عادی و دادگاه نظامی یک زمان جنگ، باید توجه داشت که دادگاه نظامی یک زمان جنگ تنها به جرایم یادشده در ماده ۵۹۱ این قانون رسیدگی می‌نماید. بنابراین، دادگاه نظامی یک زمان جنگ به جرایمی که در ماده ۵۹۱ این قانون آمده است بر اساس مجازات یادشده در ماده ۳۰۲ رسیدگی می‌کند و سایر جرایم در صلاحیت محاکم نظامی که دارای مجازات‌های ماده ۳۰۲ هستند، در صلاحیت دادگاه نظامی یک عادی خواهد بود.

ب) محاکم نظامی درجه دو. دادگاه‌های نظامی درجه دو مشتمل بر دادگاه نظامی دو عادی و دادگاه نظامی دو زمان جنگ است. محاکم یادشده صلاحیت رسیدگی به سایر جرایم در صلاحیت دادگاه‌های نظامی غیر از جرایم موجب مجازات یادشده در ماده ۳۰۲ این قانون را دارند. در خصوص دادگاه‌های نظامی درجه دو نیز باید توجه داشت که دادگاه نظامی دو زمان جنگ به جرایم یادشده در ماده ۵۹۱ این قانون که مجازات آنها غیر از مجازات‌های آمده در ماده ۳۰۲ است رسیدگی می‌کند و سایر جرایم در صلاحیت محاکم نظامی که دارای مجازات یادشده در ماده ۳۰۲ نیستند، در صلاحیت دادگاه نظامی یک عادی خواهد بود.

حکمی که در تبصره ۲ ماده ۳۱۴ آمده، مطابق است با ماده ۵۸۸<sup>۳</sup> این قانون که با اندک تغییری نسبت به محاکم نظامی تکرار شده است. بنابراین و درحالی که تبصره ۲ ماده ۳۱۴ صلاحیت دادگاه کیفری یک را

۱. منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرایمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند (تبصره ۲ ماده ۵۹۷). به این ترتیب، از نقطه نظر صلاحیت رسیدگی، مفهوم جرم نظامی مفهومی وسیع بوده، علاوه بر جرم ماهیتاً نظامی یا جرم نظامی در مفهوم خاص خود، شامل جرایم مرتبط با وظایف نظامی و انتظامی هم می‌شود (خالقی، ۱۳۹۷، ج ۲: ۶۱).

۲. الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

۳. الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

برای رسیدگی به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی امکان پذیر می‌داند، مطابق با ماده ۵۸۸ «دادگاه نظامی یک، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند به اعتبار صلاحیت دادگاه نظامی دو، قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید». به علاوه، بر اساس ماده ۵۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری باید گفت، هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه نظامی یک و رسیدگی به برخی دیگر در صلاحیت دادگاه نظامی دو است، به تمام جرایم او در دادگاه نظامی یک رسیدگی می‌شود.

اما در خصوص لازم‌الاجرا بودن نظر دادگاه درجه یک برای دادگاه درجه دو در موارد اختلاف در صلاحیت، ماده ۶۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۱</sup> نظر دادگاه نظامی درجه یک را برای دادگاه نظامی درجه دو لازم می‌داند. برابر ماده یادشده «در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضائی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متبّع است. در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ در حوزه قضائی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم‌الاتباع است». همچنین، مطابق با ماده ۲۶۰۱ این قانون «در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ با سایر مراجع قضائی نظامی در یک حوزه قضائی، نظر دادگاه نظامی زمان جنگ متبّع است».

### ۲.۱.۲.۳. دادگاه اطفال و نوجوانان

صلاحیت نسبی محاکم کیفری مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نسبت به محاکم کیفری اطفال و نوجوانان نیز پذیرفته شده است. لذا رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، علاوه بر سن متهم، بر اساس اهمیت جرم ارتكابی، به شرح زیر در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان است:

الف) دادگاه اطفال و نوجوانان. مطابق ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود». صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر آنکه طفل یا نوجوان زیر ۱۸ سال مرتکب جرم شده باشند منوط به آن است که در زمان شروع به رسیدگی، سن متهم از ۱۸ سال تمام شمسی تجاوز نکرده باشد. بنابراین، چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد که البته در این صورت نیز متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه

۱. الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

۲. الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. اما چنانچه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد (تبصره ۲ ماده ۳۰۴).

ب) دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان. با وجود پیش‌بینی دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان یک دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، قانون‌گذار در قانون جدید و بر اساس صلاحیت نسبی، شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک را ویژه رسیدگی به جرایم مهم نوجوانان قرار داده است. مطابق با ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان با وجود شرایط زیر صلاحیت رسیدگی دارد: ۱- جرم ارتكابی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، باشد. ۲- جرم از سوی افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتكاب یابد. البته، در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. بنابراین، رسیدگی به کلیه جرایم افراد نابالغ در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان است و در خصوص جرایم ارتكابی این دسته از افراد، صلاحیت نسبی پذیرفته نشده است، ولی رسیدگی به جرایم ارتكابی افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی بر اساس صلاحیت نسبی در دو دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان انجام می‌شود.

در خصوص دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان باید به این نکته توجه نمود که این دو دادگاه دارای صلاحیت ذاتی مجزا هستند؛ لذا در صورت اختلاف در صلاحیت بین این دو دادگاه، حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.<sup>۱</sup> با وجود این، مطابق با تبصره ۱ ماده ۳۱۴: «هرگاه شخصی متهم به ارتكاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود» که همان دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان است.

## ۲.۲. دادگاه‌های کیفری مرحله رسیدگی مجدد

مراجع رسیدگی مجدد مراجعی هستند که بعد از حداقل یک بار رسیدگی و صدور حکم نسبت به موضوع اتهام، دخالت کرده، امر بازنگری در آن را برعهده دارند (خالقی، ۱۳۹۷، ج ۲: ۹۶). در حقوق ایران و مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری، مرجع اعتراض به آرای صادره از محاکم کیفری بدوی، دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور است. صلاحیت این دو مرجع نیز با توجه به مجازات قانونی جرم

۱. مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۶۸۶ مورخ ۱۳۸۵/۲/۵، در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه اطفال مستقر در حوزه قضایی یک استان و دادگاه‌های کیفری همان استان (دادگاه کیفری یک)، مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور است.

ارتكابی و بر اساس صلاحیت نسبی تعیین می‌گردد. توضیح آنکه به‌جز جرایم غیرقابل تجدیدنظر که قطعی محسوب می‌شوند، سایر جرایم بر اساس اهمیت جرم ارتكابی و میزان مجازات آنها قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی هستند. به این ترتیب که جرایم با اهمیت بالاتر که در صلاحیت دادگاه‌های بدوی درجهٔ یک هستند قابل فرجام در دیوان عالی کشورند و جرایم در صلاحیت دادگاه‌های کیفری بدوی درجهٔ دو قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان هستند. البته، برخلاف دیوان عالی کشور که بین تمامی محاکم اعم از عمومی و اختصاصی مشترک است، دادگاه تجدیدنظر بین محاکم عمومی و اختصاصی متفاوت است. لذا، مطابق مادهٔ ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری «آرای صادره دربارهٔ جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجهٔ سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیهٔ آنها نصف دیهٔ کامل یا بیش از آن است و آرای صادره دربارهٔ جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است». سایر جرایم - به‌جز جرایم تعزیری درجهٔ هشت و جرایم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیهٔ کامل که مطابق با مادهٔ ۴۲۷ قطعی محسوب می‌شوند - قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است. دودرجه‌ای بودن محاکم کیفری مرحلهٔ رسیدگی مجدد، هم در خصوص دادگاه‌های کیفری عمومی و هم اختصاصی پذیرفته شده است. با وجود این و به‌رغم واحد بودن دیوان عالی کشور به‌عنوان مرجع فرجام‌خواهی از آرای محاکم عمومی و اختصاصی، مطابق مواد ۴۲۷ و ۶۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه تجدیدنظر استان به‌عنوان یکی دیگر از مراجع اعتراض از آرای محاکم عمومی و انقلاب، مجزا از دادگاه تجدیدنظر نظامی است. همچنین، مطابق مادهٔ ۴۴۴ این قانون «مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رئیس قوهٔ قضائیه تعیین می‌گردد...».

### ۳. قواعد صلاحیت نسبی دادگاه‌های کیفری در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان<sup>۱</sup> نیز محاکم مرحلهٔ بدوی و مجدد رسیدگی بر اساس صلاحیت نسبی با توجه به اهمیت جرم ارتكابی به دو دستهٔ دادگاه‌های درجهٔ یک و دادگاه‌های درجهٔ دو به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

#### ۳.۱. دادگاه‌های مرحلهٔ بدوی رسیدگی

##### ۳.۱.۱. دادگاه‌های عمومی

۱. در حال حاضر، سه صلاحیت مجزا در بریتانیا وجود دارد که عبارت‌اند از: انگلستان و ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی (Goldson, 2004: 224).

در حقوق انگلستان جرایم با توجه به شیوه رسیدگی بر مبنای اهمیت و شدت جرم ارتكابی به سه دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

### ۳.۱.۱.۱. جرایم قابل کیفرخواست<sup>۱</sup>

مطابق با ماده ۵۱ قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸<sup>۲</sup>، جرایم قابل کیفرخواست تنها قابل رسیدگی در دادگاه جزایی<sup>۳</sup> هستند و دادگاه‌های صلح مکلف‌اند پرونده‌های قابل کیفرخواست را بلافاصله به دادگاه سلطنتی برای رسیدگی ارجاع دهند. جرایم قابل کیفرخواست جرایمی هستند که آن‌چنان با اهمیت و مهم تلقی می‌شوند که الزاماً باید از سوی قاضی و با حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرند و لذا دادگاه‌های صلح صلاحیت رسیدگی به این جرایم را ندارند. همه جرایم کامن‌لا و بیشتر جرایم شدید موضوعه جرایم قابل کیفرخواست هستند (Fafinski & Finch, 2010: 100). از جمله این جرایم عبارت‌اند از: قتل عمد، قتل غیرعمد، زنا به عنف، جرایم مهم علیه اشخاص، مانند ایراد عمدانه صدمه شدید جسمانی و ورود غیرمجاز به منزل دیگری به قصد ارتكاب جرم. این جرایم که قابل رسیدگی در دادگاه جزایی هستند، خود بر اساس اهمیت به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) جرایم دسته اول که شدیدترین جرایم را شامل می‌شوند، عموماً از سوی قاضی دادگاه عالی<sup>۴</sup> مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. از جمله این جرایم، خیانت به کشور و قتل عمد است.  
 ب) جرایم دسته دوم که معمولاً از سوی قاضی تمام وقت دادگاه جزایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. از جمله این جرایم می‌توان به زنا به عنف اشاره کرد.  
 ج) جرایم دسته سوم، سایر جرایم مانند آدم‌ربایی، ورود به عنف به منزل دیگری به قصد ارتكاب جرم، آسیب جسمانی شدید و سرقت به عنف را دربر می‌گیرد که معمولاً از سوی قاضی تمام‌وقت دادگاه جزایی یا قاضی پاره‌وقت دادگاه جزایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند (Partington, 2012-2013: 123).  
 باید توجه داشت که همه جرایم کیفری از دادگاه صلح شروع می‌شود. اکثر این جرایم (۹۸ درصد) در دادگاه صلح مختومه شده، لذا به دادگاه جزایی ارجاع نمی‌گردد. ۲ درصد باقیمانده به دادگاه جزایی ارجاع

1. Indictable offences

2. Crime and disorder Act 1998

۳. دادگاه جزایی در یکم ژانویه ۱۹۷۲ به موجب قانون دادگاه‌ها مصوب ۱۹۷۱ ایجاد گردید. قانون یادشده در واقع، نتیجه گزارش کمیسیون سلطنتی در خصوص دادگاه‌های فصلی و دادگاهی متشکل از قضات دادگاه‌های صلح در مجمع فصلی قضات صلح تصویب گردید (Zander, 2007: 16). به‌رغم آنکه بیشتر جرایم کیفری در محاکم صلح رسیدگی می‌شوند، ولی در حال حاضر دادگاه جزایی، دادگاه اصلی کیفری در حقوق انگلستان است و دادگاه جزایی شهر لندن به‌عنوان دادگاه کیفری مرکزی شناخته می‌شود (Williams, 2002: 11-12).

4. High Court judge

داده می‌شود که مشتمل است بر جرایم قابل کیفرخواست و جرایم دوگانه زمانی که با کیفرخواست رسیدگی می‌شوند. اصطلاح «کیفرخواست» صرفاً به معنای سند حاوی اتهام است. در مقابل، اصطلاحی که در دادگاه صلح استفاده می‌شود «اتهام کتبی» است. به‌طور سنتی، زمانی که دادگاه صلح با یک جرم قابل کیفرخواست مواجه می‌شد، رسیدگی مقدماتی را انجام می‌داد. این رسیدگی‌ها به‌عنوان «رسیدگی‌های ارجاعی» شناخته می‌شد که در دادگاه صلح صرفاً به‌عنوان یک هیئت بررسی عمل می‌کرد. هدف رسیدگی‌های ارجاعی برای دادگاه صلح این بود که با بررسی مقدماتی دلایل قانع می‌شد که متهم باید پاسخگو باشد. در ابتدا، رسیدگی‌های ارجاعی شامل ارائه دلایل از سوی شهود به دادگاه بود. این امر موجب صرف هزینه و زمان برای شهود می‌شد، چراکه آنها مجبور به ادای دو بار شهادت بودند. بنابراین، فرایند جدید به‌عنوان جایگزین روند قبلی ایجاد شد. در فرایند جدید، دادگاه صلح صرفاً بر اساس اظهارات مکتوب شاهد در خصوص ارسال یا عدم ارسال پرونده به دادگاه جزایی تصمیم می‌گیرد. قانون تحقیقات و دادرسی کیفری مصوب ۱۹۹۶ رسیدگی‌های ارجاعی به روش قدیمی را نسخ کرد و پس از آن بند یک ماده ۵۱ قانون جرم و بی‌نظمی، همه رسیدگی‌های ارجاعی در جرایم قابل کیفرخواست را نسخ نمود. از این رو، اگرچه جرایم قابل کیفرخواست همچنان از دادگاه صلح آغاز می‌شوند، ولی به دلیل آنکه ارجاعی وجود ندارد، نقش محاکم صلح در این پرونده‌ها معاضدت قضایی، أخذ وثیقه و بازداشت مجدد است. لذا، باید توجه داشت که شخصی که متهم به یک جرم قابل کیفرخواست است، به جرم خود اعتراف نمی‌کند؛ مگر آنکه به دفاع وی در دادگاه جزایی رسیدگی شود (Huxley-Binns and Martin, 2009: 165-166).

### ۲.۱.۱.۳. جرایم اختصاری<sup>۲</sup>

جرایم اختصاری کم‌اهمیت‌ترین جرایم را شامل می‌شود که صرفاً و به‌طور اختصاری قابل رسیدگی در دادگاه صلح هستند. کلمه «اختصاری» به فرایند احضار متهم برای حضور در دادگاه اشاره دارد (Elliott and Quinn, 2016-2017: 43).

اینها جرایمی هستند که به‌طور اختصاری (بدون حضور هیئت منصفه) در دادگاه‌های صلح مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. این دسته از جرایم در مقایسه با جرایمی که با کیفرخواست و در دادگاه جزایی رسیدگی می‌شوند، دارای اهمیت و شدت کمتری هستند. برای اجتناب از تراکم پرونده‌های تخلفات ترافیکی<sup>۳</sup> در دادگاه، این امکان در این گونه پرونده‌ها برای متهم

1. Criminal Procedure and Investigations Act 1996.

2. Summary offences

۳. بیشتر این تخلفات، غیرقابل توقیف هستند؛ به این معنی که متهم به دنبال محکومیت، حبس نمی‌شود.

وجود دارد که اعتراف به جرم نموده، در دادگاه حاضر نشود. به دلیل کم‌اهمیت بودن این جرایم، دادگاه‌های صلح در انتخاب نوع مجازاتی که می‌توانند تحمیل کنند، محدودیت دارند. بنابراین، در خصوص جرم اختصاری، مرتکب را می‌توان حداکثر به ۱۲ ماه حبس محکوم کرد. به همین ترتیب، در جرایم اختصاری، دادگاه‌های صلح اختیار صدور حکم به جزای نقدی صرفاً تا ۱۰۰۰ پوند یا به میزانی که در قانون موضوعه مشخص شده است، یعنی حداکثر تا ۵۰۰۰ پوند را دارند (Huxley-Binns & Martin, 2009: 166).

جرایم قابل محاکمه به صورت اختصاری، بیشتر شامل موارد زیر است:

- ضرب و جرح‌های عادی و کم‌اهمیت؛
- خسارت جزایی کمتر از ۲۰۰۰ پوند؛
- تخلفات رانندگی؛

رانندگی در حالت ممنوعیت از رانندگی؛ کسی که در حال رانندگی الکل مصرف کند و برای مدتی از رانندگی محروم می‌شود (مهر، ۱۳۹۲: ۳۰۹).

### ۳.۱.۱.۳. جرایم دوگانه<sup>۱</sup>

جرایم دوگانه، جرایمی هستند که هم به صورت اختصاری در دادگاه صلح و هم با کیفرخواست یعنی با حضور قاضی و هیئت منصفه در دادگاه جزایی قابل رسیدگی هستند. از جمله این جرایم عبارت‌اند از: تهدید ساده، خسارت کیفری بیش از پنج هزار پوند و بسیاری از جرایم مندرج در قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸<sup>۲</sup>، به استثنای برخی جرایم از جمله اخاذی و برخی از جرایم ورود به عنف به منزل به قصد ارتکاب جرم (Huxley-Binns & Martin, 2009: 165-166).

فرایند رسیدگی به جرایم دو وجهی در مقایسه با جرایم اختصاری و قابل کیفرخواست، پیچیده‌تر است. دادگاه صالح برای رسیدگی به این دسته از جرایم به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف) ابتدا، منشی دادگاه صلح از متهم می‌خواهد که اگر تمایل دارد اعلام کند که در صورت قابل رسیدگی بودن موضوع، قصد دارد که چگونه مورد رسیدگی قرار گیرد، ولی به‌طور کلی، متهم مجبور نیست که روش رسیدگی را اعلام کند. با این حال، در صورتی که متهم اعتراف به جرم نماید، دادگاه به رسیدگی ادامه داده، اعمال مجازات می‌کند. اما اگر اعتراف به جرم نکند یا اصلاً در این خصوص هیچ‌گونه اظهار نظری ننماید، دادگاه به سمت تعیین روش فرایند رسیدگی خواهد رفت.

ب) سپس، دادگاه صلح مطابق با ماده ۱۹ قانون محاکم صلح مصوب ۱۹۸۰<sup>۳</sup> و دستورالعمل‌های تعیین

---

1. Offences triable either way  
2. Theft Act 1968  
3. Magistrates' Court Act 1980



روش رسیدگی، شیوه رسیدگی را تعیین می‌کند؛ به این ترتیب که دادگاه نظر بر صلاحیت خود برای رسیدگی به پرونده دارد یا بر این نظر است که پرونده برای رسیدگی در دادگاه جزایی مناسب خواهد بود. (ج) از طرف دیگر، پس از اعلام نظر دادگاه صلح، متهم می‌تواند صلاحیت دادگاه صلح را بپذیرد و یا رسیدگی در دادگاه جزایی را انتخاب نماید. حتی اگر دادگاه صلح صلاحیت خود را برای رسیدگی به جرایم دووجهی بپذیرد، متهم این حق را دارد که رسیدگی از سوی دادگاه صلح را رد کرده، رسیدگی در دادگاه جزایی را انتخاب نماید. (د) در صورت تعیین صلاحیت دادگاه‌های صلح، چنانچه این محاکم ملاحظه نمایند که مجازات جرم ارتكابی در صلاحیت آنهاست، اقدام به صدور حکم و اعمال مجازات خواهند نمود. اما اگر تشخیص دهند که جرم ارتكابی مستحق مجازاتی بیشتر از میزانی است که آنها می‌توانند اعمال نمایند، پرونده را برای تعیین مجازات به دادگاه جزایی ارجاع می‌دهند. خاطرنشان می‌سازد، حداکثر مجازاتی که در حال حاضر دادگاه‌های صلح می‌توانند برای یک جرم دووجهی حکم دهند، ۶ ماه حبس و یا جزای نقدی تا پانصد پوند است و برای دو جرم یا بیشتر، ۱۲ ماه حبس و یا جزای نقدی تا پنج هزار پوند (Fafinski & Finch, 2010: 102-103).

### ۲.۱.۳. مراجع رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

مراجع رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان نیز در حقوق انگلستان و بر اساس صلاحیت نسبی به دو دسته دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه جزایی تقسیم می‌شوند. به این ترتیب که هرچند دادگاه اطفال و نوجوانان به جرایم افراد بین ۱۰ تا ۱۷ سال رسیدگی می‌نمایند، ولی این دادگاه صلاحیت رسیدگی به برخی از جرایم ارتكابی شدید از سوی نوجوانان را ندارد.

### ۱.۲.۱.۳. دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان یکی از شعب دادگاه صلح است و به عبارت دیگر، یک دادگاه صلح ویژه است (Martin, 2007: 52). این دادگاه به پرونده‌های بزهکاران بین ۱۰ تا ۱۷ سال (قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱)<sup>۱</sup> رسیدگی می‌کند که بایستی بر مبنای قانون کودکان ۱۹۸۹<sup>۲</sup> مورد رسیدگی قرار گیرند<sup>۳</sup>

1. Criminal Justice Act 1991

2. Children act 1989

۳. خاطرنشان می‌سازد که قانون عدالت صغار و دلایل کیفری ۱۹۹۹ قرار ارجاع (Referral order) را که منجر به ارجاع اتوماتیک پرونده‌های اطفال بزهکار بی‌سابقه - پس از احراز مجرمیت آنها در دادگاه - به هیئت اطفال و نوجوانان بزهکار می‌شود پیش‌بینی نموده است. به این ترتیب، بزهکارانی که در دادگاه محاکمه می‌شوند و مجرمیت خود را می‌پذیرند به‌طور اتوماتیک به هیئت اطفال و نوجوانان اعزام می‌شوند، مگر آنکه مرتکب جرمی مانند قتل عمد شده باشند و یا جرم ارتكابی آنقدر شدید باشد که حبس مرتکب را توجیه نماید (ر.ک. مهرا، ۱۳۹۸: ۴۱۰-۴۰۹).

(مهر، ۱۳۸۷: ۱۲۵). با وجود این، دادگاه یادشده به دلیل آنکه شعبه‌ای از دادگاه صلح است، لذا صلاحیت رسیدگی به برخی از جرایم مهم نوجوانان را نداشته، رسیدگی به این دسته از جرایم - همان‌گونه که خواهد آمد - در دادگاه جزایی انجام می‌شود.

### ۳.۱.۲.۲. دادگاه جزایی

به‌رغم پیش‌بینی و تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی انگلستان و صلاحیت این دادگاه برای رسیدگی به جرایم افراد بین ۱۰ تا ۱۷ سال، رسیدگی به جرایم ارتكابی شدید ایشان به شرح زیر از صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان خارج و در صلاحیت دادگاه جزایی قرار دارد:

رسیدگی به جرایم متهمان به قتل عمد در صلاحیت دادگاه جزایی است.

زمانی که افراد بین ۱۰ تا ۱۷ سال به‌تنهایی و بدون مشارکت افراد بزرگسال متهم به ارتكاب جرم هتک عرض یا جرمی بشوند که حداکثر مجازات حبس ۱۴ سال یا بیشتر برای بزرگسال را در پی داشته باشد و یا زمانی که افراد بین ۱۴ تا ۱۷ سال به‌تنهایی متهم به ارتكاب جرم قتل (غیرعمد) با رانندگی خطرناک یا قتل (غیرعمد) با رانندگی خطرناک در اثر مستی شوند و دادگاه اطفال و نوجوان مطابق با ماده ۵۳ قانون اطفال و نوجوانان مصوب ۱۹۳۳ تشخیص دهد که با محکومیت مرتکب امکان اعمال مجازات مناسبی غیر از حبس وجود ندارد، موضوع به دادگاه جزایی ارجاع می‌شود.

همچنین، وقتی که یک کودک به همراه بزرگسال مرتکب جرم شده است. چنانچه دادگاه به جهت تحقق عدالت، ضروری تشخیص دهد و به‌علاوه متضمن ضرری بیش از حد برای نوجوان نباشد، به جرایم هر دو در دادگاه جزایی رسیدگی می‌شود (Keenan, 2001: 106).

### ۳.۲. دادگاه‌های مرحله رسیدگی مجدد

فرایند تجدیدنظرخواهی در حقوق انگلستان بستگی به آن دارد که رسیدگی مرحله بدوی به صورت اختصاری یا با کیفرخواست بوده باشد (Slapper & Kelly, 2012-2013: 248). بر همین اساس، محاکم مرحله رسیدگی مجدد بر اساس صلاحیت نسبی به دو دسته دادگاه جزایی و دادگاه تجدیدنظر تقسیم می‌شوند.

### ۳.۱.۲. دادگاه جزایی

قانون محاکم مصوب ۱۹۷۱<sup>۲</sup> که دادگاه جزایی را ایجاد نمود، مقرر می‌دارد که یکی از وظایف دادگاه جزایی رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آرای محکومیت و مجازات صادره از دادگاه صلح است (GCSE Law).

1. Children and Young Persons Act 1933

2. Courts Act 1971.

(48: 1390 بر اساس قانون یادشده، دادگاه‌های فصلی و مجمع فصلی قضات صلح (که پیش از این دادگاه‌های جزایی اصلی را تشکیل می‌دادند و مرجع رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از احکام صادره از دادگاه‌های صلح بودند)، منحل و دادگاهی تحت عنوان دادگاه جزا، جایگزین دو دادگاه قبلی شد (مهرا، ۱۳۹۸: ۱۰۴). مطابق بند ۲ ماده ۴۸ قانون محاکم ارشد مصوب ۱۹۸۱، دادگاه سلطنتی پس از رسیدگی به اعتراض از رأی صادره از دادگاه صلح، اختیار دارد که رأی یادشده را تأیید یا نقض نماید و یا هر بخشی از رأی را تغییر دهد. با وجود این، صلاحیت دادگاه جزایی در تجدیدنظرخواهی، اولاً شامل مواردی که متهم از سوی دادگاه صلح محکوم شده، اما دادگاه جزایی اعمال مجازات کرده است، نمی‌شود. ثانیاً، نسبت به آرای محاکم صلح محدود به زمانی است که متهم به جرم خود اقرار نکرده باشد. توضیح آنکه متهمی که اعتراف به جرم نکرده است می‌تواند به جهت آنکه دادگاه در صدور حکم مبنی بر محکومیت وی اشتباه کرده و یا مجازات خیلی سخت اعمال نموده است، به حکم دادگاه صلح اعتراض نماید و مرجع رسیدگی به این اعتراض دادگاه جزایی است.

### ۳.۲.۲. دادگاه تجدیدنظر

تقاضای تجدیدنظر از تصمیمات دادگاه جزایی در پرونده‌های کیفری، به شعبه کیفری دادگاه تجدیدنظر<sup>۲</sup> ارجاع می‌گردد. این دادگاه به تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه در مورد امور موضوعی<sup>۳</sup>، امور حکمی<sup>۴</sup> و مجازات تعیین‌شده و تجدیدنظرخواهی دادستان در مورد موضوعات حکمی<sup>۵</sup> (جایی که متهم تبرئه شده است) رسیدگی می‌کند (مهرا، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۳). آرای صادره از این دادگاه قطعی است. البته، در صورتی که دادگاه تجدیدنظر (بخش کیفری) و بخش ملکه دادگاه عالی تصدیق نمایند که دعوا متضمن یک نکته حقوقی و دارای اهمیت عمومی است و اجازه تجدیدنظرخواهی از سوی این محاکم یا مجلس اعیان اعطا شده باشد، مجلس اعیان مرجع تجدیدنظرخواهی از آرای صادره از دادگاه تجدیدنظر و بخش ملکه دادگاه عالی خواهد بود<sup>۶</sup> (GCSE Law, 1390: 47).

1. Senior Courts Act 1981

۲. دادگاه استیناف متشکل از دو شعبه کیفری و حقوقی است. صلاحیت این دادگاه شامل انگلستان و ولز است، اما شامل تمام بریتانیا- آن‌گونه که دیوان عالی صلاحیت دارد- نمی‌شود. این دادگاه از سوی قاضی لرد یا لیدی تجدیدنظر اداره می‌شود. معمولاً دادگاه تجدیدنظر متشکل از سه قاضی است، اما در پرونده‌های مهم امکان افزایش تعداد قضات به پنج تا هفت نفر نیز وجود دارد. در مقابل، در موارد نادر، تشکیل دادگاه با یک قاضی نیز ممکن است. ریاست شعبه کیفری دادگاه تجدیدنظر با رئیس قاضی تجدیدنظر (Lord Chief Justice) است (Hanson, 2016: 41).

3. Question of fact

4. Question of Law

5. Points of Law

۶. بر اساس قانون اصلاحات اساسی ۲۰۰۵، دیوان کشور در سال ۲۰۰۸ جانشین کمیته قضایی مجلس اعیان می‌شود و در نهایت مقرر مستقل خود، خارج از مجلس اعیان را خواهد داشت (مهرا، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

#### ۴. نتیجه‌گیری

مطالعه صورت گرفته در مقاله حاضر نشان می‌دهد صلاحیت دادگاه‌های کیفری، علاوه بر ذاتی و محلی، بر اساس اهمیت جرم، شامل صلاحیت نسبی نیز می‌شود؛ به این ترتیب که جرایم با اهمیت بالاتر در دادگاه‌های کیفری درجه یک و جرایم با اهمیت کمتر در دادگاه‌های کیفری درجه دو یا پایین‌تر مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلستان، صلاحیت نسبی مورد پذیرش قرار گرفته و محاکم کیفری بر اساس اهمیت جرم ارتكابی تقسیم‌بندی گردیده‌اند. در حقوق ایران دادگاه‌های کیفری اعم از عمومی و اختصاصی مشتمل بر دو درجه است: محاکم کیفری عمومی به دو دسته دادگاه کیفری یک به‌عنوان دادگاه درجه یک و دادگاه کیفری دو به‌عنوان دادگاه درجه دو تقسیم می‌شوند. محاکم کیفری اختصاصی پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری نیز هر کدام به دو دسته تقسیم شده‌اند: دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی و وحدت قاضی، دادگاه نظامی یک و نظامی دو، دادگاه نظامی یک زمان جنگ و نظامی دو زمان جنگ، دادگاه اطفال و نوجوانان و نیز دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان. به این ترتیب که جرایم موجب مجازات‌های یادشده در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری که از نگاه قانون‌گذار نسبت به سایر جرایم مهم‌تر است، در صلاحیت محاکم کیفری درجه یک و سایر جرایم در صلاحیت محاکم کیفری درجه دو هستند. به همین ترتیب، دادگاه‌های مرحله مجدد رسیدگی نیز به دو دسته منقسم می‌شوند. توضیح آنکه جرایم موجب مجازات‌های یادشده در ماده ۳۰۲ که عیناً در ماده ۴۲۸ این قانون تکرار شده، قابل فرجام در دیوان عالی کشور و سایر جرایم غیرقطعی، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان هستند. در حقوق انگلستان نیز صلاحیت نسبی بر اساس اهمیت جرم ارتكابی مورد پذیرش قرار گرفته است به گونه‌ای که جرایم با توجه به شیوه رسیدگی بر مبنای اهمیت و شدت جرم ارتكابی به سه دسته جرایم قابل کیفرخواست، جرایم اختصاری و جرایم دوگانه تقسیم می‌شوند. جرایم قابل کیفرخواست در صلاحیت دادگاه جزایی، جرایم اختصاری در صلاحیت دادگاه‌های صلح، و جرایم دوگانه با شرایطی قابل رسیدگی در محاکم صلح و دادگاه جزایی است. به همین ترتیب، آرای صادره از دادگاه‌های صلح که جرایم کم‌اهمیت‌تر هستند، قابل اعتراض در دادگاه جزایی و آرای صادره از دادگاه جزایی، یعنی جرایم مهم‌تر، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر هستند. همچنین، جرایم ارتكابی از سوی افراد زیر هجده سال بر اساس اهمیت جرم ارتكابی قابل رسیدگی، در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان دادگاه درجه دو و دادگاه جزایی به‌عنوان دادگاه درجه یک است.

## منابع

### الف فارسی

۱. آخوندی، محمود (۱۳۹۴). *شناسایی آیین دادرسی کیفری*، دفتر دوم «سازمان و صلاحیت مراجع کیفری». چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دوران‌دیشان.
۲. آشوری، محمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ ۲۱، تهران: انتشارات سمت.
۳. آشوری، محمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.
۴. بروکس، تام (۱۳۹۵). *مجازات*. ترجمه محمدعلی کاظم نظری. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۵. پردال، ژان (۱۳۹۶). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابراندآبادی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
۶. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۴). *ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر (تأملی در چیستی و کارکردهای کیفر)*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۷. خالقی، علی (۱۳۹۹). *آیین دادرسی کیفری (صلاحیت مراجع رسیدگی کیفری و دلایل اثبات)*. جلد دوم، چاپ ۴۲، تهران: انتشارات شهر دانش.
۸. رستگار نامدار، حسین (۱۳۵۶). *صلاحیت دادگاهها: صلاحیت ذاتی - صلاحیت محلی و صلاحیت نسبی - صلاحیت اضافی*. مهنامه قضایی، (۱۳۴)، ۳۰-۱۶.
۹. شمس، عبدالله (۱۳۹۷). *آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)*. جلد اول، چاپ ۵۶، تهران: انتشارات دراک.
۱۰. شمس، عبدالله (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دراک.
۱۱. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). *بایسته‌های آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۱۲. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات جنگل.
۱۳. مهرا، نسربین (۱۴۰۰). *دانشنامه حقوق کیفری انگلستان*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۱۴. مهرا، نسربین (۱۳۹۸). *دایره المعارف عدالت کیفری انگلستان*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۶. هیئت پژوهشگران کاوندیش (۱۳۹۴). *نظام حقوقی انگلستان*. ترجمه نسربین مهرا. چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
۱۷. آئین‌نامه دادرسی دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۱۸. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۱۹. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

**ب) انگلیسی**

1. Elliott, Catherine & Frances Quinn (2016-2017). *English Legal System*, Seventeenth Edition: Pearson.
2. Fafinski, Stefan & Emily Finch (2010). *English Legal System*, 3rd Edition: Longman.
3. Goldson, Barry (2004). *Youth Crime and Youth Justice "Restorative and Informal Justice"*, *Student Handbook of Criminal Justice and Criminology*: Cavendish Publishing.
4. Hanson, Sharon (2016). *Learning Legal Skills and Reasoning*. Fourth Edition: Routledge.
5. Huxley-Binns, Rebecca & Jacqueline Martin (2009). *Unlocking the English Legal System*: Hodder Arnold.
6. Keenan, Denis (2001). *Denith & Keenan English Law*. thirteenth Edition: Longman.
7. Martin, Jacqueline (2007). *The English Legal System*. 3<sup>rd</sup> Edition: Hodder & Stoughton.
8. Partington Martin (2012-2013). *Introduction to the English Legal System*: Oxford University Press.
9. Slapper, Gary & David Kelly (2012-2013). *The English Legal System*. thirteenth Edition: Routledge.
10. Wilman, John (2005). *Brown: GCSE Law*. ninth edition: Thomson.
11. Weigend, Homas (1991). *Determining Penalties: Norm Versus Discretion in Sentencing*: Isr.L.Rev.
12. Williams, Glanville (2002). *Learning the Law*. Twelfth Edition (Edited by A.T.H. Smith): Sweet & Maxwell.
13. Zander, Michael (2007). *Cases and Materials on the English Legal System*. Tenth Edition: Cambridge university Press.
14. Geldart, William (1991). *Introduction to English Law*. Tenth edition(prepared by D.C.M. Yardley): Oxford University Press.
15. Harris, Phil (2007). *An Introduction to Law*. Seventh Edition: Cambridge University press.
16. Children act 1989 (English)
17. Children and Young Persons Act 1933 (English)
18. Courts Act 1971 (English)
19. Crime and disorder Act 1998 (English)
20. Criminal Justice Act 1991 (English)
21. Criminal Procedure and Investigations Act 1996 (English)
22. Magistrates' Court Act 1980 (English)
23. Senior Courts Act 1981 (English)
24. Theft Act 1968 (English)